



وزارت علوم، تحقیقات و فناوری
مؤسسه آموزش عالی اخلاق و تربیت

دانشکده روان شناسی
رشته روان شناسی اسلامی
پایان نامه کارشناسی ارشد

رابطه عملکرد خانواده و خودپنداره کودکان با توجه به نگرش مذهبی والدین

استاد راهنما:

حجت الاسلام والمسلمین دکتر محمدرضا جهانگیرزاده

مشاور:

حجت الاسلام والمسلمین دکتر مسعود نورعلیزاده میانجی

نگارش:

سعید زارع بنادکوکي

الحمد لله الذي
خلقنا من
الحمم



وزارت علوم، تحقیقات و فناوری
مؤسسه آموزش عالی اخلاق و تربیت

بسمه تعالی

صورت جلسه دفاع پایان نامه

باتمیدات خداوند متعال و با استعانت از حضرت ولی عصر (عجل الله تعالی فرجه)

جلسه دفاع از پایان نامه کارشناسی ارشد جناب آقای سعید زارع بناکوکلی رشته: روان شناسی اسلامی گرایش روان شناسی مثبت گرا

تحت عنوان: رابطه کارکرد خانواده خودنظاره کودکان با توجه به نگرش مذهبی والدین

باجضور استاد راهنما، استاد مشاور و هیأت داوران در مؤسسه آموزش عالی اخلاق و تربیت در تاریخ ۱۳۹۸/۱۱/۵ برگزار گردید و پایان نامه

ایشان با کسب نمره به عدد: ۱۹ به حروف: نوزده با درجه عالی پذیرفته شد.

نام و نام خانوادگی	مرتبه علمی	امضاء
مدیر گروه: حجت الاسلام والمسلمین جناب آقای دکتر محمد رضا احمدی		
استاد راهنما: حجت الاسلام والمسلمین جناب آقای دکتر محمد رضا جهانگیرزاده قمی	استاد	
استاد مشاور: حجت الاسلام والمسلمین جناب آقای دکتر مسعود نورعلیزاده	استاد	
استاد داور: حجت الاسلام والمسلمین جناب آقای دکتر عبدالاحد اسلامی	استاد داور	
نماینده تحصیلات تکمیلی: جناب آقای مصطفی زارعی		

معاون آموزشی مؤسسه
محمد رضا کریمی



دانشکده روان‌شناسی
رشته روان‌شناسی اسلامی
پایان نامه کارشناسی ارشد

رابطه عملکرد خانواده و خودپنداره کودکان با توجه به نگرش مذهبی والدین

استاد راهنما:

حجت الاسلام والمسلمین دکتر محمدرضا جهانگیرزاده

مشاور:

حجت الاسلام والمسلمین دکتر مسعود نورعلیزاده میانجی

نگارش:

سعید زارع بنادکوی

شهریورماه ۱۳۹۸

بسمه تعالی

تعهد اصالت پایان نامه

اینجانب سعید زارع بنادکوی فرزند جلال متولد ۱۳۶۸/۰۶/۲۶ به شماره شناسنامه ۴۴۲۰۰۵۷۶۸۸ صادره از یزد به شماره دانش پژوهی ۹۵۱۱۴۰۰۸ رشته روانشناسی مثبت گرا متعهد می شوم که مطالب مندرج در این پایان نامه حاصل کار پژوهشی اینجانب است و دستاوردهای پژوهشی دیگران که در این زمینه از آنها استفاده شده است مطابق مقررات ارجاع و در فهرست منابع و مآخذ ذکر گردیده است.

این پایان نامه قبلاً برای احراز هیچ مدرک هم سطح یا بالاتر ارائه نشده است. در صورت اثبات تخلف (در هر زمان) مدرک تحصیلی صادر شده توسط مؤسسه از اعتبار ساقط خواهد شد.

سعید زارع بنادکوی

امضاء

حقوق مادی و معنوی پایان نامه

چاپ و انتشار پایان نامه های تحصیلی دانش پژوهان مؤسسه آموزش عالی اخلاق و تربیت بیانگر بخشی از فعالیت های علمی پژوهشی مؤسسه است.

اینجانب سعید زارع بنادکوکى دانش پژوه رشته روانشناسی مثبت گرا مقطع کارشناسی ارشد، متعهد می گردم موارد ذیل را درخصوص حقوق مادی و معنوی پایان نامه ام با موضوع: رابطه عملکرد خانواده و خودپنداره کودکان با توجه به نگرش مذهبی والدین رعایت نمایم و در صورت تخلف از موارد ذیل، کلیه تبعات حقوقی آن بر عهده اینجانب خواهد بود:

۱. در صورت اقدام به چاپ پایان نامه، مراتب را قبلاً به صورت کتبی به معاونت پژوهش مؤسسه اطلاع دهم و در صورت تمایل مؤسسه به چاپ پایان نامه به صورت کتاب، اولویت با مؤسسه خواهد بود.

۲. در صورت موافقت معاونت پژوهش با چاپ پایان نامه به صورت کتاب توسط دانش پژوه، در صفحه سوم کتاب (پس از برگ شناسنامه) عبارت ذیل چاپ گردد:

«کتاب حاضر حاصل پایان نامه کارشناسی ارشد در رشته است که در سال در مؤسسه آموزش عالی اخلاق و تربیت به راهنمایی آقای و مشاوره آقای از آن دفاع شده است».

۳. به منظور غنی سازی منابع و مآخذ کتابخانه مؤسسه، دو نسخه از آن به کتابخانه و دو نسخه نیز جهت بهره برداری به معاونت پژوهش اهدا خواهد شد.

سعید زارع بنادکوکى

امضاء

پاسکزاری

پروردگار را پاسکزارم که بار دیگر به من فرصت آموختن داد.

از پدر، مادر عزیزم و همسر مهربانم به خاطر زحماتی که در طول زندگی همواره

برای موفقیت و شادکامی من به جان خریدند، تشکر می‌کنم.

بر خود واجب می‌دانم از استاد فرزانه جناب حجت الاسلام والمسلمین دکتر

جهانگیرزاده

که به عنوان استاد راهنما در مراحل مختلف پایان نامه همواره با سه صدر و

کشاده رویی در کنار من بودند

و در طول مدت تحصیل از راهنمایی‌های اخلاقی و علمی ایشان بهره جسته‌ام

تشکر و قدردانی نمایم.

و همچنین کمال سپاس را از استاد بزرگوار جناب حجت الاسلام والمسلمین دکتر

نورعلیزاده

که به عنوان استاد مشاور بنده بودند دارم، که بدون راهنمایی‌ها و روحیه بخشی

ایشان انجام بخش مهمی از این رساله میسر نمی‌بود.

بدین وسیله از بزرگواری و حمایت‌های بی‌دینغ همه این عزیزان تشکر کرده

و برای ایشان طول عمر توام با عزت و عاقبت به خیری را از خداوند

متعال خواستارم.

چکیده

پژوهش حاضر با هدف بررسی رابطه عملکرد خانواده و خودپنداره کودکان با توجه به نگرش مذهبی والدین صورت گرفته است. روش این پژوهش توصیفی از نوع همبستگی بوده که برای بررسی مدل تعدیلی از معادلات رگرسیونی استفاده گردید. جامعه آماری کلیه دانش آموزان پسر و دختر پایه های چهارم، پنجم و ششم مقطع ابتدایی شهر یزد و والدین آنها می باشند که در مدارس دولتی و غیر دولتی مشغول به تحصیل هستند. حجم جامعه آماری ۳۷۰۰۰ نفر می باشد که با استفاده از جدول مورگان، تعداد ۳۸۰ نفر به روش نمونه گیری تصادفی طبقه ای انتخاب گردیدند. به منظور سنجش متغیر ها از مقیاس سنجش عملکرد خانواده (FAD)، مقیاس خودپنداره کودکان پیرز و هریس (CSCS) و پرسشنامه نگرش مذهبی (RS) برای جمع آوری اطلاعات استفاده گردید. تحلیل همبستگی و رگرسیون برای تحلیل نتایج مورد استفاده قرار گرفتند. نتایج نشان داد که نگرش مذهبی والدین در رابطه بین عملکرد خانواده و خودپنداره کودکان نقش تعدیل کنندگی دارد و اثر تعاملی عملکرد خانواده با نگرش مذهبی والدین در خودپنداره کودکان معنادار می باشد ($P < 0.01$). همچنین مجموع متغیرهای عملکرد خانواده، نگرش مذهبی والدین و اثر تعاملی آنها ۳۰ درصد تغییرات خودپنداره کودکان را پیش بینی می کنند. همچنین نتایج حاکی از این است که ماتریس همبستگی و رابطه دو به دو و ساده متغیرها با هم معنادار بوده و هر کدام از متغیرهای عملکرد خانواده و نگرش مذهبی والدین به تنهایی و به صورت معنادار توان پیش بینی خودپنداره کودکان را دارند ($P < 0.01$). به طور کلی نتایج پژوهش حاضر دلالت بر نقش عملکرد خانواده و نگرش مذهبی والدین در کیفیت خودپنداره کودکان نقش داشته و نگرش مذهبی عملکرد خانواده را در جهت افزایش خودپنداره کودکان تقویت (تعدیل مثبت) می کند.

واژگان کلیدی: عملکرد خانواده، نگرش مذهبی، خودپنداره، نقش تعدیل کننده

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
	فصل اول: کلیات
۲-۱-۱	بیان مسأله
۵-۱-۲	ضرورت انجام پژوهش
۶-۱-۳	اهداف پژوهش
۶-۱-۳-۱	هدف اصلی
۶-۱-۳-۲	اهداف فرعی
۶-۱-۴	فرضیه‌های پژوهش
۶-۱-۴-۱	فرضیه اصلی
۶-۱-۴-۲	فرضیات فرعی
۷-۱-۵	تعاریف مفهومی و عملیاتی
۷-۱-۵-۱	تعاریف مفهومی
۸-۱-۵-۲	تعاریف عملیاتی
	فصل دوم: مبانی نظری و پیشینه پژوهش
۱۰-۲-۱	گستره اول: خودپنداره
۱۰-۲-۱-۱	اهمیت مفهوم خودپنداره
۱۱-۲-۱-۲	شکل‌گیری خودپنداره
۱۲-۲-۱-۳	عوامل مؤثر بر پیدایش خودپنداره
۱۳-۲-۱-۴	دیدگاه‌های نظری در مورد خودپنداره
۱۸-۲-۱-۵	خودپنداره و عزت نفس
۱۹-۲-۱-۶	خودپنداره در اسلام
۲۱-۲-۲	گستره دوم: عملکرد خانواده
۲۲-۲-۲-۱	نظریه‌های خانواده

- ۲۴..... ۲-۲-۲- عملکرد های خانواده
- ۲۶..... ۲-۲-۳- خانواده های کارآمد و خانواده های ناکارآمد
- ۳۰..... ۲-۲-۴- دیدگاه بوئن در مورد عملکرد خانواده
- ۳۱..... ۲-۲-۵- الگوی مک مستر در مورد ارزیابی عملکرد خانواده
- ۳۴..... ۲-۲-۶- عملکرد خانواده از دیدگاه اسلام
- ۳۶..... ۲-۳- گستره سوم نگرش مذهبی (مذهب)
- ۳۶..... ۲-۳-۱- تعریف مذهب از دیدگاه روانشناختی
- ۳۷..... ۲-۳-۲- فرد دیندار کیست؟
- ۳۷..... ۲-۳-۳- نظریه آلپورت
- ۳۸..... ۲-۳-۴- تعریف دین از دیدگاه اسلامی
- ۴۰..... ۲-۳-۵- دیدگاه های مختلف در زمینه معنویت
- ۴۳..... ۲-۳-۶- اهمیت معنویت و دین
- ۴۵..... ۲-۳-۷- تربیت دینی
- ۴۷..... ۲-۳-۸- عمده ترین ضعف ها و کاستی های تربیت دینی فرزندان
- ۵۸..... ۲-۴- پیشنهادی تحقیقاتی
- ۵۸..... ۲-۴-۱- پیشنهاد خارجی
- ۶۳..... ۲-۴-۲- پیشنهاد داخلی

فصل سوم: روش پژوهش

- ۶۸..... ۳-۱- طرح پژوهش
- ۶۸..... ۳-۲- جامعه آماری، نمونه و روش نمونه گیری
- ۶۹..... ۳-۳- ابزارهای پژوهش
- ۷۱..... ۳-۴- روش اجرای پژوهش
- ۷۱..... ۳-۵- روش و ابزار تجزیه و تحلیل داده ها

فصل چهارم: یافته‌های پژوهش

۱-۴- تحلیل داده‌های توصیفی ۷۳

۲-۴- تحلیل داده‌های استنباطی ۷۵

فصل پنجم: بحث و نتیجه‌گیری

۱-۵- خلاصه‌ای از یافته‌های پژوهش ۸۳

۲-۵- بحث در چارچوب یافته‌های پژوهش ۸۵

۳-۵- محدودیت‌های پژوهش ۸۸

۴-۵- پیشنهادات پژوهش ۸۹

منابع ۹۰

پیوست‌ها ۱۰۰

فهرست جداول

عنوان	صفحه
جدول ۱-۴- میانگین و انحراف استاندارد سن پدران، مادران و دانش آموزان	۷۳.....
جدول ۲-۴- فراوانی و درصد دانش آموزان به تفکیک جنسیت	۷۴.....
جدول ۳-۴- میانگین و انحراف استاندارد نمرات متغیر های پژوهش	۷۴.....
جدول ۴-۴- آزمون کولموگروف اسمیرنوف، به منظور بررسی نرمال بودن متغیر های پژوهش	۷۶.....
جدول ۵-۴- نتایج مربوط به همبستگی بین متغیر های اصلی پژوهش در کل آزمودنی ها	۷۷.....
جدول ۶-۴- نتایج مربوط به همبستگی بین متغیر های فرعی پژوهش در کل آزمودنی ها	۷۸.....
جدول ۷-۴- مشخصه های آماری مدل رگرسیون تأثیر عملکرد خانواده بر خودپنداره کودکان با توجه به نقش تعدیل گر نگرش مذهبی والدین	۸۰.....
جدول ۸-۴- مشخصه های آماری مدل رگرسیون تأثیر عملکرد خانواده بر خودپنداره کودکان	۸۳.....
جدول ۹-۴- مشخصه های آماری مدل رگرسیون تأثیر نگرش مذهبی بر خودپنداره کودکان	۸۴.....

فهرست اشکال

صفحه	عنوان
۳۱.....	شکل ۱-۲- ژنوگرام خانواده

فصل اول:

کلیات

۱-۱- بیان مسأله

خودپنداره^۱ نظام پویایی است که با اعتقادات^۲، ارزش‌ها، رغبت‌ها، استعدادها و توانایی‌های فرد ارتباط دارد. این عوامل ازتعیین کننده‌های مسیر زندگی فرد هستند. خودپنداره ارزیابی کلی فرد از خودش است. این ارزیابی ناشی از ارزیابی‌های ذهنی فرد از ویژگی‌های خود است که ممکن است مثبت یا منفی باشد. خودپنداره مثبت^۳ نشان دهنده این است که فرد خودش را در مقام شخصی با نقاط قوت و ضعف می‌پذیرد و این امر موجب بالا رفتن اعتماد به نفس او در روابط اجتماعی می‌شود. خودپنداره منفی^۴ منعکس کننده احساس بی‌ارزشی و بی‌لیاقتی و نیز ناتوانی خود است (بونگ و اسکالویک^۵، ۲۰۰۳).

خودپنداره مجموعه‌ای است درونی و نسبتاً پایدار شامل همه آنچه که اشخاص متعلق به خود می‌دانند از جمله جنبه‌های جسمی، اجتماعی، هیجانی، اعمال اختصاصی، شایستگی‌ها همراه با عناصر مادی با اهمیت (صدر السادات و شمس اسفند آباد، ۱۳۸۰).

غالباً نقش اولیه خودپنداره این است که باعث ایجاد ثبات در رفتار شود. این امر به افراد کمک می‌کند که بتوانند رفتار خود و کسانی را که با آنها در تعامل هستند به سادگی پیش بینی نمایند. به اعتقاد آلپورت خودپنداره در برگیرنده چندین جنبه است و در مسیر رشد بر اساس نظر دیگران ساخته می‌شود تا اینکه به صورت الگوهای مشخص بروز کند. او خودپنداره را همان ادراک شخص از شخصیت خودش می‌داند گاهی اوقات شخصیت و خودپنداره معادل هم در نظر گرفته می‌شود اما

1-self concept.

2- beliefs.

3 – values.

4 – negative self – concept.

5 – Bong,M & Skalvik,E.M.

در واقع جنبه های مختلف خودپنداره که آلپورت مطرح می کند در صفات ادراک شده ای منعکس می شود که افراد به هنگام توصیف خود آنها را مطرح نموده اند (آلن، ۱۹۹۰). پژوهش ها نشان می دهند که خودپنداره با متغیر های متعدد همچون عملکرد و پیشرفت تحصیلی، خلاقیت، بهداشت روانی، پذیرش همسالان و حمایت اجتماعی، رضایت از خود و شادکامی ارتباط دارد (شعاع کاظمی و مومنی جاوید، ۱۳۸۷، ص ۵۷).

در سال های اخیر روان شناسان به عواملی که مربوط به تشکیل و تکامل خودپنداره می شود، توجه زیادی داشته اند. این موضوع حتی برای متخصصان بهداشت روان نیز اهمیت خاصی دارد، زیرا برداشت فرد از شخصیت خود تا اندازه زیادی تصور او را درباره محیطش تعیین می کند. اگر تصور از خود مثبت و متعادل باشد، شخص دارای سلامت روان است. بر عکس اگر خودپنداره شخص منفی و نامتعادل باشد، از لحاظ بهداشت روان شخصی ناسالم تلقی می شود. خودپنداره اکتسابی است و این نکته برای کسانی که مسئول پرورش فرد یا کودک در اوان زندگی هستند، به ویژه خانواده و والدین اهمیت دارد. واکنش دیگران، مقایسه با دیگران، نقش های اجتماعی و همانندسازی از عوامل مؤثر دیگر در رشد خودپنداره به حساب می آید (حسن زاده، حسینی، مرادی ۱۳۸۴).

بدون شک خانواده یکی از متغیر های اصلی در ایجاد خودپنداره در کودکان می باشد. خانواده مهمترین رکن تشکیل دهنده جامعه است که خصوصیات فردی، اجتماعی، اخلاقی، مسئولیت پذیری، توانمندی و اعتماد در آن رشد و پرورش می یابد. کارکرد خانواده نقش مهمی در ارتباط بین زوجین و همچنین شکل گیری خودپنداره کودکان دارد. عملکرد خانواده به توانایی خانواده در هماهنگی یا انطباق با تغییرات ایجاد شده در طول حیات، حل کردن تعارض ها، همبستگی میان اعضا و موفقیت در الگوهای انضباطی، رعایت حد و مرز میان افراد و اجرای مقررات و اصول حاکم بر این نهاد با هدف حفاظت از کل نظام خانواده اطلاق می شود (مجرد کاهانی و قنبری هاشم آبادی، ۱۳۹۰). پژوهش ها حاکی از ارتباط عملکرد خانواده و خودکارآمدی والدین با خودپنداره در نوجوانان می باشند (نجار، ۱۳۹۳). همچنین نقش عملکرد خانواده در میزان تجربه بحران هویت و تمایز یافتگی و شادکامی نوجوانان مورد بررسی قرار گرفته است (صالح زاده، فلاحتی و رحیمی، ۱۳۹۵). با این حال از آنجایی که ارتباط عملکرد خانواده با خودپنداره کودکان مورد بررسی قرار نگرفته است،

پژوهش حاضر در مرحله اول در صدد بررسی رابطه بین عملکرد خانواده و خودپنداره کودکان می باشد.

ارتباط نگرش مذهبی والدین و خودپنداره کودکان مسئله دیگری می باشد که پژوهش حاضر در صدد بررسی آن است. بررسی پیشینه پژوهش نشان می دهد که رابطه نگرش مذهبی والدین و بهزیستی ذهنی، شادکامی و خودکارآمدی نوجوانان مورد بررسی قرار گرفته است. خوشنویس و دژاکام (۱۳۹۷) رابطه معنی داری بین جهت گیری مذهبی والدین و خودپنداره نوجوانان را نشان نمی دهند. اکبریان (۱۳۹۵) در پژوهش خود نشان می دهد که نگرش مذهبی با خودکارآمدی و شادکامی دانش آموزان دوره متوسطه رابطه معنی دار دارد. توجه به اصول و اعتقادات دینی که در نگرش ها و رفتار های والدین نمود پیدا می کند می تواند بر ایجاد یک خودپنداره مستحکم در کودکان که خلا دینی و مذهبی در آن وجود ندارد، تأثیر گذار باشد.

از آن جایی که مذهب و خانواده ارزش های مشابهی را مورد تأکید قرار می دهند و برای تقویت اجتماعی شدن به هم وابسته اند، پژوهشگران رابطه نزدیک این دو رو پیش بینی می کنند. این جهت گیری منجر به بیان عباراتی گردیده است که مذهب می تواند روابط زناشویی را تقویت و استحکام بخشد (کال^۱ و هیتون^۲، ۱۹۹۷).

نگرش مذهبی می تواند در ارتباط زناشویی موثر باشد، زیرا مذهب شامل رهنمود هایی برای زندگی و ارائه دهنده سامانه باورها و ارزش ها است که این ویژگی ها می توانند زندگی زناشویی را متأثر سازند. از سوی دیگر نگرش های افراد خانواده در مورد مذهب، استمرار و انتقال ارزش ها و رفتار های مذهبی به نسل های دیگر را شکل می دهد. از این رو رابطه مذهب و خانواده را می توان یک رابطه اثر گذار و اثر پذیر در نظر گرفت. برای مثال این که افراد به ازدواج به منزله مسئولیتی برای تمام عمر، مهرورزی به یکدیگر، فراهم آوردن اسباب آرامش همدیگر و وفاداری و تعهد به همسر را، چگونه بر مبنای مذهب تفسیر می نمایند، تأثیر پذیری روابط زناشویی را مذهب را نشان می دهد (ماهونی^۳، ۲۰۰۵).

1 - Call, V.R.A.

2 - Heaton, T .B.

3 - Mahoney.A.

بدون شک نگرش های والدین بر نحوه شکل گیری شخصیت و تعاملات کودکان نقش موثری دارد. والدینی که معتقد هستند که پدر و مادر شدن مسئولیت الهی یا مقدس است، در ایجاد ارتباط و حفظ آن به شکل مطلوب و مؤثر نقش فراوانی دارند؛ زیرا ارزش هر امر مقدسی از کارهای عادی و مادی فراتر است و همچون دیگر کارهای معنوی و مقدس تناسب بیشتری با بعد اصیل انسان پیدا می کند.

ابوتس، ویلیام، سوئیتینگ و وست^۱ (۲۰۰۴) در پژوهشی به بررسی رابطه ی مذهبی بودن با سلامت روان در میان کودکان اسکاتلندی پرداختند. در این پژوهش رابطه ی حضور هفتگی در مراسم مذهبی کلیسا با سلامت روان کودکان مورد بررسی قرار گرفت. یافته های پژوهش نشان داد، کودکانی که در مراسم های مذهبی حضور بیشتری داشتند، پرخاشگری کمتری از خود در موقعیتهای خانه و مدرسه نشان میدادند، عزت نفس بالاتری داشتند و اضطراب و افسردگی کمتری در میان آنها گزارش شده بود.

به نظر می رسد توجه به اصول و اعتقادات دینی که در نگرش ها و رفتار های والدین نمود پیدا می کند، می تواند بر ایجاد یک خودپنداره مستحکم تأثیر گذار باشد و بر این اساس پژوهش کنونی در صدد بررسی این مسئله است که بین عملکرد خانواده و خودپنداره کودکان با توجه به نگرش مذهبی والدین چه رابطه ای وجود دارد؟ آیا متغیر نگرش مذهبی اثر تعدیل کنندگی در رابطه بین عملکرد خانواده و خودپنداره کودکان دارد؟

۲-۱- ضرورت انجام پژوهش

بررسی متغیر های خانوادگی - مذهبی مؤثر بر خودپنداره کودکان می توان علاوه بر روشن شدن نقش متغیر های اصلی و واسطه ای، راه را برای مداخله های آموزشی مبتنی بر اصول اسلامی هموارتر کند. نظر به اهمیت موضوع خودپنداره و عوامل مؤثر بر آن در حوزه مطالعات کودک و با توجه به اینکه پژوهش های قابل توجهی در زمینه ی ارتباط خودپنداره با مولفه های روانشناختی انجام شده است و اینکه تابحال تحقیقی به صورت مجزا به بررسی همزمان نقش و ارتباط کارکرد خانواده و نگرش

1 - Abbotts,J. Williams, RG. Sweeting, HN. West, PB.

مذهبی بر خودپنداره کودکان پرداخته نشده است، پژوهش حاضر درصدد برآمده است تا به بررسی همزمان نقش و ارتباط این سه متغیر با یکدیگر بپردازد. ضرورت عملی این تحقیق آن است که اگر متغیرهای مرتبط با خودپنداره شناسایی شوند زمینه برای تحقیقات علی و استفاده از نتایج آن در برنامه ریزی های تربیتی فرهنگی برای کودکان و والدین آنان فراهم می شود.

۳-۱- اهداف پژوهش

۱-۳-۱- هدف اصلی

بررسی رابطه بین عملکرد خانواده و خودپنداره کودکان، با توجه به نقش تعدیل کننده نگرش مذهبی والدین.

۱-۳-۲- اهداف فرعی

- ۱- شناسایی رابطه میان عملکرد خانواده و خودپنداره کودکان.
- ۲- شناسایی رابطه میان نگرش مذهبی والدین و خودپنداره کودکان

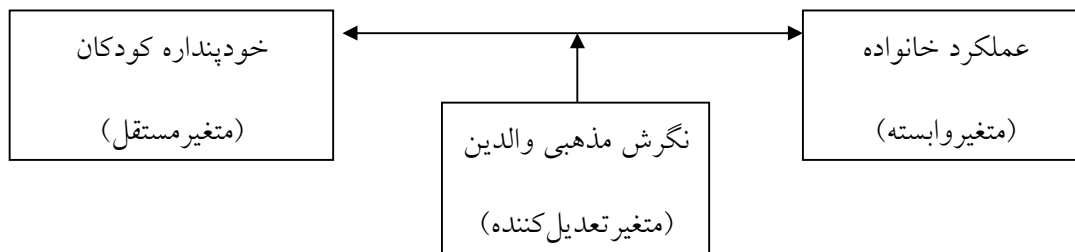
۴-۱- فرضیه های پژوهش

۱-۴-۱- فرضیه اصلی

بین عملکرد خانواده با خودپنداره کودکان با توجه به نقش تعدیل گر نگرش مذهبی والدین رابطه وجود دارد.

۱-۴-۲- فرضیات فرعی

- ۱- بین عملکرد خانواده و خودپنداره کودکان رابطه وجود دارد.
- ۲- بین نگرش مذهبی والدین و خودپنداره کودکان رابطه وجود دارد.



۱-۵- تعاریف مفهومی و عملیاتی

۱-۵-۱- تعاریف مفهومی

الف: عملکرد خانواده

عملکرد خانواده یعنی، توانایی خانواده در هماهنگی یا انطباق با تغییرات ایجاد شده در طول حیات، حل کردن تعارض ها، همبستگی میان اعضا و موفقیت در الگوهای انضباطی، رعایت حد و مرز میان افراد و اجرای مقررات و اصول حاکم بر این نهاد با هدف حفاظت از کل نظام خانواده است (اپشتاین، بالدوین و بیشاپ^۱، ۱۹۸۳).

ب: خودپنداره^۲

خودپنداره عبارت است از ارزیابی کلی فرد از شخصیت خویش. این ارزیابی ناشی از ارزیابی ذهنی است که معمولاً از ویژگی‌های رفتاری خود به عمل می‌آوریم. در نتیجه ممکن است، مثبت یا منفی باشد (لورا برک^۳، ترجمه سیدمحمدی، ۱۳۸۲، ص ۸۴).

ج: نگرش مذهبی

نگرش مذهبی اعتقادات منسجم یکپارچه توحیدی است که خداوند را محور امور دانسته و ارزش ها، اخلاقیات و آداب و رسوم و رفتارهای انسان را با یکدیگر و طبیعت خویش تنظیم می نماید که دارای چهار مؤلفه ی باورهای دینی، عواطف دینی، رفتارهای دینی، وانمود اجتماعی می باشد (خدایاری فرد و همکاران، ۱۳۸۸).

د: تعدیل کننده

متغیر تعدیل کننده تغییری است که به صورت مستقیم بر جهت رابطه یا میزان رابطه متغیرهای مستقل و وابسته می تواند موثر باشد. اثرات این متغیر قابل مشاهده و اندازه گیری است. به متغیر تعدیل کننده گاهی متغیر مستقل فرعی نیز گویند و محقق مایل است اثر آن را در فرآیند آزمون فرضیه، در کنار متغیر مستقل، مطالعه کند (دلور، ۱۳۸۸، ص ۴۲).

1 - Epstein, N. B., Bishop, D. S. & Levin, S.

2- self-concept.

3- Burke, L.

۲-۵-۱- تعاریف عملیاتی

الف: عملکرد خانواده

در پژوهش حاضر منظور از عملکرد خانواده نمره ای است که فرد با استفاده از مقیاس سنجش عملکرد خانواده (اپشتاین، بالدوین و بیشاپ، ۱۹۸۳) بدست می آورد.

ب: خودپنداره

در پژوهش حاضر منظور از خودپنداره نمره ای است که فرد با استفاده از مقیاس خودپنداره کودکان پیرز و هریس^۱ (۱۹۶۹) (CSCS) بدست می آورد.

ج: نگرش مذهبی

در پژوهش حاضر منظور از نگرش مذهبی نمره ای است که فرد با استفاده از پرسشنامه نگرش مذهبی خدایاری فرد و همکاران (۱۳۸۱) بدست می آورد.

^۱ - Pierce, R & Harris.

فصل دوم:

مبانی نظری و پیشینه پژوهش

در این فصل ابتدا مبانی نظری تحقیق در خصوص متغیرهای پژوهش شامل خودپنداره، عملکرد خانواده و نگرش مذهبی مورد بررسی و بحث قرار گرفته است. سپس پیشینه تحقیقاتی متغیرهای مورد نظر آورده شده است.

۱-۲- گستره اول: خودپنداره

تقی زاده (۱۳۹۵) می گوید:

"هر فرد در ذهن خود، تصویری از خویشتن دارد؛ به عبارت دیگر، ارزشیابی کلی فرد از شخصیت خویش را «خودپنداره» یا «خودانگاره» می نامند. این ارزشیابی ناشی از ارزشیابی های ذهنی است که معمولاً از ویژگی های رفتاری خود به عمل می آوریم. خودپنداره، چارچوبی شناختی است که به واسطه آن به سازمان بندی آنچه درباره خویش می دانیم، می پردازیم و اطلاعاتی را که به خود مربوط می شوند، بر پایه آن پردازش می کنیم. در نتیجه، خودپنداره ممکن است مثبت یا منفی باشد. مفهوم «خود» به صورت سازمانی دینامیک، نخستین بار به وسیله لکی مطرح شد. به نظر او، رفتار آدمی تظاهر و انگیزه ای است که هدف آن ثبات خود در اوضاع ناپایدار می باشد" (ص ۳۷).

۱-۱-۲- اهمیت مفهوم خودپنداره

شاملو (۱۳۹۲) می گوید:

"شخصیت مجموعه منظم، متکامل و نسبتاً ثابت خصایص و رفتارهای بدنی، عقلی و اجتماعی فرد است که او را از دیگران متمایز می سازد و موجب ناسازگاری او با محیط - به ویژه محیط اجتماعی - می شود" (ص ۵۸).

به باور اندیشمندان، قسمت عمده ویژگی های شخصیتی، منش و خصوصیات رفتاری هر فرد به تصویری که از خود در ذهن دارد - یعنی انگاره وی - بستگی دارد. خودپنداره مثبت کلید رشد و سازندگی فردی و اجتماعی است، تصویری که شخص از وحدت و یکپارچگی وجود خویشتن دارد، نحوه ای که خود را می بیند، مجموعه خصایصی که با خود در ارتباط است و استنباط هایی که از مشاهده خود در بسیاری از موقعیت ها به عمل آورده است و الگوی خاصی که او را توصیف می کند، بیانگر مفهوم «خود» است (کورسینی^۱، ۱۹۸۴؛ به نقل از بیابانگرد، ۱۳۷۸، ص ۱۰۷).

۲-۱-۲- شکل گیری خودپنداره

از میان پیشرفت های ذهنی مؤثر در اولین سال های زندگی، می توان به تحول خویشتن پنداری و درک ضمیر اول شخص مفرد (من) اشاره کرد. اولین مرحله رشد خویشتن پنداری، کودک را به این آگاهی می رساند که متمایز از دیگران است و به عقیده لوویس^۲ و همکاران این آگاهی بر اساس کنش متقابل سن کودک و محیط انجام می گیرد. این واکنش نشانگر آن است که آن ها از وجود خود به عنوان یک شخص، آگاهی داشتند؛ زیرا می دانستند که چهره واقعی آن ها چه شکلی است. به عقیده این دانشمندان، در طول دو سال اول زندگی، کودک از چهار مرحله رشد خویشتن پنداری عبور می کند: از بدو تولد تا ۳ ماهگی، کودک به شدت جذب چهره انسان می شود. سپس بین ۳ تا ۸ ماهگی به کمک شاخص های بینایی، شناسایی قیافه خود را آغاز می کند. به همین صورت، چون کودک می بیند تصویر بدن همراه با او جابه جا می شود، خود را در تصویر نیز شناسایی می کند. آن گاه بین ۸ تا ۱۲ ماهگی، وی ساختن خویشتن پنداری خود را به عنوان یک پدیده دائمی و مجهز به کیفیت های پایدار آغاز می نماید. در نهایت، مرحله چهارم در طول سال دوم زندگی جریان پیدا می کند. در این مرحله، کودک کلیه واژه های جسمی خود را، که موجب تمایز او از سایر کودکان و بزرگسالان می شود، شناسایی می کند، همچنین معنای مالکیت را می فهمد. در نتیجه، اسباب بازی ها و قلمرو خود را می شناسد (بدار^۳ و همکاران، ترجمه حمزه گنجی، ۱۳۹۳، ص ۱۷۰).

1- Koursini, R .

2- Louis, D.

3- Bedar, L.

کورسینی^۱ (۱۹۸۴) معتقد است خودپنداره شامل ابعاد ذیل می‌باشد:

الف. خودپنداره فردی: بیانگر خصوصیات رفتاری فرد است از دیدگاه خودش. این خودپنداره از خصوصیات جسمانی تا هویت جنسی، قومی، طبقه اجتماعی - اقتصادی و هویت من یا حس استمرار و یگانگی فرد در طول زمان را در برمی گیرد.

ب. خودپنداره اجتماعی: ویژگی‌ها و یا خصوصیات رفتاری شخص است که وی تصور می‌کند دیگران آن را مشاهده می‌کنند.

ج. خودآرمانی با توجه به خودپنداره شخصی فرد: این آرمان‌ها خودپنداره‌هایی هستند که فرد شخصاً امیدوار است همانند آن‌ها باشد.

د. خودآرمانی با توجه به خودپنداره‌های اجتماعی فرد: این آرمان‌ها پنداره‌هایی هستند که فرد دوست دارد دیگران آن‌گونه مشاهده کنند.

۳-۱-۲- عوامل مؤثر بر پیدایش خودپنداره

الف: رابطه فرد با جامعه

عامل عمده ایجاد خودپنداره را باید در رابطه فرد با جامعه اش، بخصوص در دوران پراهمیت کودکی و نوجوانی، جستجو کرد. پدید آمدن خودپنداره، بازنمایی ذهنی رفتار و واکنش دیگران نسبت به فرد، بخصوص کودک است. رشد شخصیت و هسته وجود آن - یعنی «خود» - جنبه دینامیک و پویایی دارد، به طوری که خود اصولاً یک فرایند است، نه فرآورده و مسیر است، نه مقصد. بنابراین، خود و رشد و تکامل آن هیچ گاه پایان پذیر نیست و سکون نمی پذیرد، بلکه همواره در جهت «شدن» به پیش می رود که البته این فرایند و سیر گاه روندی دشوار و دردناک دارد و شرایط و عوامل محیطی گاه آن قدر محرومیت زا می گردند که خود از این تعالی و تکامل باز می ماند و راه پیشرفت و صعود آن سد می گردد (تقی زاده، ۱۳۹۵، ص ۲۱).

1- Koursini, R.

ب: رابطه فرد با والدین و خانواده

از جمله عوامل مؤثر بر پیدایش خودپنداره، والدین و خانواده می باشد. خانواده نخستین بذر تکوینی پنداره و تصور نسبت به خود، جهان، خدا و مردم را در ذهن و قلب افراد می کارد. به طور کلی، خانواده به عنوان نخستین پایگاه آموزش و پرورش، از اساسی ترین عوامل در شکل گیری شخصیت کودک است. بدون تردید، هرگونه نارسایی و نقص در ساخت خانواده می تواند از همان طفولیت در رشد و پرورش کودک، تأثیر نامطلوبی داشته باشد.

به طور کلی، همراهی، هماهنگی، همدلی، هم رازی، هم فکری، هم دستی، و هم رفتاری والدین در جمیع مسائل زندگی، بخصوص در جنبه های خانوادگی و بالاحص در نگرش های تربیتی، تأثیر بسیاری در رشد خودپنداره مثبت کودک دارد. از جمله خصوصیات خانواده متعادل، عبارت است از: هم کنشی، هم گرایی، تفاهم، بینش تکاپویی، تبادل عاطفی، مثبت گرایی، مشارکت، منطق، شادکامی و بزرگ منشی. اگر می خواهیم خانواده های توانایی در امر آموزش و پرورش داشته باشیم، والدین باید آگاه، عامل و اهل دانش و بینش باشند (همان).

۴-۱-۲- دیدگاه های نظری در مورد خودپنداره

خودپنداره یکی از مهم ترین عوامل برای سلامت فردی می باشد و به در واقع بسیاری از مشکلات رفتاری با این متغیر مرتبط می باشد (آگوستو^۱، ۲۰۰۹). بدون شک، اساسی ترین کلید شخصیت و رفتار انسان تصویری است که فرد در ذهن خود از خویشتن دارد. در واقع می توان گفت تصویری که انسان از خود دارد، استعدادهای او را در زمینه های گوناگون رقم می زند. لذا هرچه نگرش بهتری از خود داشته باشد، مؤثرتر و خلاق تر خواهد بود. واکنش های دیگران، مشاهده ی رفتارهای خود، مقایسه ی خود با اشخاصی که به ما شباهت دارند و در محیط ما زندگی می کنند، از جمله منابع تشکیل دهنده ی خودپنداره به شمار می روند. خودپنداره در واقع، به عنوان سیستم سازمان دهنده ی ادراکات و تجربیات هر فرد است و برخورداری از خودپنداره ی مثبت عامل اساسی سازگاری عاطفی- اجتماعی، احساس خود ارزشمندی و توانایی در مقابله با چالش های زندگی است (آگوستو، ۲۰۰۹).

¹- Augusto.

روان‌شناسان بسیاری در خصوص «خودپنداره» سخن به میان آورده‌اند که در اینجا برای نمونه، چند مورد از آن‌ها ذکر می‌شوند:

۱. ویلیام جیمز^۱: جیمز نخستین کسی است که در سال ۱۹۸۲ میان مفهوم من و خود (خود شناخته شده از خود شناسنده) تفاوت می‌گذارد. به عقیده وی، من (که یک خود تجربی است) از من واقعی (اعضا، لباس، موضوع، منزل) و از من روحی جنبه‌هایی از وجدان، آمادگی روانی، و نیز از من اجتماعی یا «خود» که بر اثر شناخت دیگران پدید می‌آید، تشکیل یافته است (تقی زاده، ۱۳۹۵، ص ۳۷). هر فرد بر اساس ارتباط و فاصله‌ای که بین خود واقعی و خود آرمانی‌اش وجود دارد برای خویش حرمت و عزت قائل است. جیمز معتقد بود سطح خواسته‌ها نقش اساسی در تعیین اینکه ما خود را مطلوب تلقی می‌کنیم یا نه بازی می‌کند. سطح خواسته مربوط به اشیایی می‌شود که جزء مقوله «مال من» هستند. از طرفی به نظر می‌رسد سطح خواسته مربوط به آرمان من است چون به اهداف فرد مرتبط است، اهدافی که فرد می‌خواهد به آنجا برسد تا از خود رضایت داشته باشد. اگر در یک زمینه مهم (برای فرد) پیشرفت به سطح خواسته نزدیک شده باشد، فرد احساس عزت نفس می‌کند و اگر فاصله زیادی بین او وجود داشته باشد، خود را فرد ضعیفی تلقی می‌کند. بنابراین احساس ما درباره خویشتن، بستگی کامل به آنچه قبلاً انتظار داشته‌ایم و آنچه اکنون انجام می‌دهیم، دارد. منبع دیگر در به وجود آوردن حرمت خود، ارزشی است که فرد به کل «خود» می‌دهد. طبق نظر جیمز، «خود» مجموعه چیزهایی است که فرد می‌تواند آن‌ها را به خود منسوب کند که هر یک از این متعلقات برای فرد ارزش متفاوتی دارند. به این ترتیب جیمز نیز، حداقل بخشی از خود (یا من اجتماعی) را در یک شبکه وسیع از روابط متقابل می‌بیند. در واقع، من اجتماعی را با کنش متقابل اجتماعی پیوند می‌دهد. پس خود، ساختار شناختی را تعیین می‌کند و بدین ترتیب کنش متقابل میان سازواره و محیط اجتماعی آن مشخص می‌شود (همان، ص ۳۷).

۲. راجرز^۲: وی بر اساس دیدگاه «پدیدارشناسی» معتقد است که وقایع بیرون از موجود، به خودی خود برای او معنایی ندارند، بلکه زمانی معنا دار می‌شوند که شخص بر اساس تجارب گذشته و میل

^۱- James, W.

2- Rogers, C.

به حفظ و تداوم «خویشتن» خود به آن وقایع معنا دهد (اتکینسون^۱ و هیلگارد^۲، ترجمه براهنی و همکاران، ۱۳۸۶). مفهوم «خویشتن» مهم ترین پدیده و عنصر اساسی در نظریه راجرز است. به نظر راجرز، انسان عوامل محیط خود را درک می کند و در ذهن خود به آن ها معنا می دهد. مجموعه این سیستم ادراکی و معنایی، میدان پدیداری روانی فرد را می سازد. «خویشتن» عبارت است از: الگوی سازمان یافته ای از ادراکات انسان. تحقق «خود»، که روند «خود» شدن و پرورش ویژگی ها و استعدادهای یکتایی فرد است، در سراسر زندگی ادامه دارد و به اعتقاد راجرز، در بشر علاقه ذاتی برای آفرینندگی هست و مهم ترین آفریده انسان خود اوست. این همان هدفی است که غالباً اشخاص سالم، نه کسانی که ناراحتی روانی و بیماری دارند، بدان دست می یابند (تقی زاده، ۱۳۹۵، ص ۳۷).

خویشتن دیگر در نظریه راجرز، «خویشتن آرمانی» است؛ یعنی آن نوع خودپنداره ای که انسان دوست دارد از خود داشته باشد. این خود شامل تمام آن ادراکات و معانی می شود که بالقوه با خویشتن او هماهنگ و مرتبطند. گرچه خویشتن دائم تغییر می کند، اما همیشه در هر خود، نوعی سازمان، هماهنگی و شکل یافتگی خاص وجود دارد. خودپنداره شخص جریانی آگاهانه، مداوم و نسبتاً ثابت است و فرد برای آن ها ارزش زیادی قائل است (شاملو، ۱۳۹۲، ص ۱۴۲). هر قدر خویشتن آرمانی به خویشتن واقعی نزدیک تر باشد، فرد راضی تر و خشنودتر خواهد بود. فاصله زیاد بین خویشتن آرمانی و خویشتن واقعی به نارضایتی و ناخشنودی منجر می گردد (اتکینسون و هیلگارد، ترجمه براهنی و همکاران، ۱۳۸۶، ص ۷۴).

۳. مزلو^۳: هدف اصلی مزلو دانستن این بود که انسان برای رشد کامل انسانی و خودشکوفایی تا چه حد توانایی دارد. به نظر او، در همه انسان ها تلاش یا گرایش فطری برای «تحقق خود» هست. انگیزه آدمی به سبب نیازهای مشترک و فطری است که در سلسله مراتبی از نیرومندترین تا ضعیف ترین نیازها قرار می گیرد. سلسله مراتب به طریق نردبانی پیش می رود تا به پنجمین یا نیرومندترین نیاز، یعنی تحقق خود می رسد و آن ها عبارتند از: نیازهای جسمانی یا فیزیولوژیکی؛ نیازهای ایمنی؛ نیازهای محبت و احساس تعلق؛ نیاز به احترام؛ نیاز به تحقق خود (خودشکوفایی^۴). خواستاران

1- Atkinson, S.

2- Hilgard, E.

3- Maslow, A.

4- self-actualization.